

کسی اینجا نیست

و چند داستان دیگر

نوشته

بماد ثامری

موسسه

تهران، ۱۳۹۸

سرشناسه : نامری، میعاد، ۱۳۶۸
 عنوان و نام پدیدآور : کسی اینجا نیست و چند داستان دیگر / نوشته میعاد نامری؛ ویراستار مریم مؤیدی.
 مشخصات نشر : تهران: انتشارات دهکده هوسم، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری : ۱۸۹ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۳۵-۹-۸
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 مؤلف : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Short stories, Persian -- 20th century
 رده‌بندی کنگره : PIR ۸۳۳۸
 رده‌بندی دیو : ۸۴۳/۶۲
 شماره کتابشناسی : ۶۰۱۲۷۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۳۵-۹-۸

کسی اینجا نیست و چند داستان دیگر

ناشر: انتشارات دهکده هوسم
 نوبت چاپ: اول
 سال چاپ: ۱۳۹۸
 مؤلف: میعاد نامری
 ویراستار: مریم مؤیدی
 صفحه‌آرایی: رضا زاهدی
 طراح جلد: محمدمامین رضاپور
 حروف متن: میترا ۱۴
 چاپ و صحافی و لیتوگرافی: دُرسین
 شمارگان: ۵۰۰ جلد
 بها: ۳۵۰۰۰ ریال

نشانی: تهران، خیابان دکتر هوشیار، خیابان اسداللهی، کوچه داریوش، پلاک ۱

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بارنویسی، ذخیره کامپیوتری، اکتباس کلی و جزئی (به جز اکتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۱	کسی اینجا نیست
۲۵	پیرمرد مرده
۹۳	مکان
۱۰۷	اعتماد
۱۶۹	شب‌های صحرا (۱)

مقدمه

خواننده گرامی، به طور حتم پس از مطالعه‌ی اثر، شبهاتی برای شما ایجاد خواهد شد. پس نوشتن توضیحاتی درباره‌ی قهرمان کتابم را واجب دانستم. از پیش می‌دانم که مخاطب عزیز بعد از خواندن کتاب چه نوع سؤالاتی به ذهنش خطور خواهد کرد و می‌خواهد جواب تک‌تک آن‌ها را از بنده بگیرد. سؤالاتی از قبیل: «چرا باید این شخص قهرمان کتاب باشد؟ آیا افکار و عقاید وی، همان اعتقادات نویسند است؟ آیا اعمال این شخص به اصطلاح قهرمان، مورد تأیید کاتب این مجموعه نیز می‌باشد؟ چرا باید وقتم را با پرداختن به این کتاب و تهمت‌هایش تلف کنم؟»

شاید بتوان با یک جمله به تمام این پرسش‌ها و اشکالات آن‌ها، پاسخی جامع و کامل داد. من نویسنده در قبال اعمال، گفتار و اعتقادات قهرمان کتابم هیچ‌گونه مسئولیتی ندارم! آری عزیزان، درست درآید... هرگونه مسئولیتی را از خود دور خواهم نمود. و این مطلب را کمی به یک مثال توضیح می‌دهم. لابد حال سؤال دیگری برایتان مطرح می‌شود به این شکل که: «چگونه شخصیتی را خودت خلق می‌نمایی و پس از آن، خویش را از اعمال و رفتار و اعتقادات او مبرا می‌سازی؟»

ولی در جواب باید بگویم که من هیچ شخصیتی را نیافریده‌ام تا در قبال آن پاسخگو باشم. بلکه قهرمان من «آرمان» یکی از شخصیت‌های موجود

در اجتماع است که شاید خودتان نیز با آن‌ها برخورد کرده باشید. من تنها این شخص را به تصویر کشیده‌ام و باورهای او را در این مجموعه بازتاب داده‌ام. پس هیچ‌گونه مسئولیتی گریبان‌گیر من نیست.

اینک برای شما و روشن شدن موضوع مثالی می‌آورم. پزشکی را در نظر آورید که در حال تشریح اختلال عضو یک بیمار است، یا آنکه در حال ترخیص دادن درباره‌ی یک بیماری شایع است، به طور نمونه بیماری سرطان. خب، مسلماً هیچ‌کس پزشک مزبور را دلیل اختلال عضو یا عامل بیماری سرطان نمی‌داند. زیرا وی خالق این مرض نمی‌باشد تا مسئول شناخته شود. و تنها در حال توضیح و تفسیر این بیماری و درد لاعلاج است. و در نهایت باید این را گفت که شخصیت بیمار سرطانی یا ایدزی جدای از شخصیت پزشک مورد اشاره می‌باشد. و هر دو معتقدات و باورهای جداگانه‌ای دارند در رفتار حرکات و سکناات خصوصی دیگری مسئول نیستند. درست است که پزشک در حال توضیح و تشریح مرض بیمار است، ولی خودش خالق آن بیماری نیست.

من نیز در برابر «آرمان» مسئول نیستم، بلکه نهایی که در جامعه ما موجود می‌باشد را به تصویر کشیده‌ام (شاید چنین سختی‌هایی را خود جامعه آفریده باشند). پس شخصیت «آرمان» جدای از شخصیت بنده می‌باشد و من فقط او را در این سری داستان‌ها (و اگر خدا بخواهد در مجموعه‌های بعدی) به نمایش گذارده‌ام.

خود خواننده در طول داستان با هویت و ماهیت او بیشتر آشنا خواهد شد و نقاط ضعف و قوت و تاریک و روشن او را بهتر درک خواهد نمود.

اتفاقات این مجموعه شاید برای خوانندگان نیز به وقوع پیوسته باشد، ولی آوردن آن‌ها به خاطر نتیجه‌گیری‌هایی است که آرمان از آنان دارد و تأثیراتی که بر وی می‌گذارند. پس من شخصیت او را نه تأیید می‌نمایم و نه رد و

انکار می‌کنم. بلکه قضاوت را به خواننده محترم حواله می‌نمایم تا خود او به برداشت‌های «آرمان» از محیط پیرامونش فکر کند. زیرا خوانندگان مانند یکدیگر نیستند و سلايق و روحیات متفاوتی دارند و هرکسی با توجه به تجربیات فردی‌اش به قضیه نگاه کرده و در آن تأمل می‌نماید.

در پایان از مخاطبان عزیز استدعا دارم که مرا از نظرات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و بزرگوارانه از بی‌تجربگی و خامی این حقیر در نگارش این اثر درگذرند. احتیاج مبرمی به انتقادات شما دوستان محترم دارم تا در نوشتن جلد‌های دیگر و داستان‌های بعدی این کتاب، کاستی‌های فعلی‌ام را جبران نموده و عیبهایی را تکرار ننمایم.

میعاد ثامری

زمستان ۹۸